



Shahid Bahonar
University of Kerman



Iranian E-Commerce Scientific
Association

The Non-Linear Effects of Good Governance Index and Natural Recourses Abundance on Economic Growth in D8 Countries (Smoothing Transition Regression in Panel Data)

*Mehdi Yazdanshenas Bahoghogh **

*Farzaneh Khalili ***

*Majid Afsharirad ****

*Abdolrahim Hashemi Dizaj *****

Abstract

Objective: The relationship between institutions and economic growth is one of the main issues in economic development debates and has been considered empirically in recent years. Hence, the main purpose of this paper is to investigate the effects of institutions and recourses management improvement on economic growth in D8 countries during the period of 1996-2019.

Method: For achieving this objective, the econometric model is estimated by applying PSTR method in panel data.

Results: The results of threshold estimation show that the threshold of good governance index is -0.67 and its effect on economic growth of Islamic developing countries before and after this value will be different. Since the value of good governance index in 8 developing Islamic countries is between -1.28 and -0.19, so it is expected that the estimated threshold is in the range between low and high. In addition, the value of the estimated threshold is in the neighborhood of its average value, -0.71. Moreover, the speed of transmission to the nonlinear section for these countries is 1.46. Furthermore, the good governance index in both regimes has a positive effect on economic growth, which, of course, increases its intensity by exceeding the threshold or entering the second regime or above average. It is expected that at high levels of governance (low levels of corruption and redundant regulations and political constraints and high levels of political stability and the rule of law and the effectiveness of government) where the quality of institutions is also high, all good governance components attract domestic and foreign investment, Accelerate economic growth rate.

Journal of Development and Capital, Vol. 7, No.1, 157-180.

* Ph.D. Candidate of Economics, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

Email: nnn_yazdanshenas@yahoo.com

****Corresponding Author**, Assistant Professor of Economics, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

Email: farzaneh.khalili2001@gmail.com

*** Associate Professor of Economics, Department of General Economic Affairs, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran. **Email:** m.feshari@khu.ac.ir

**** Assistant Professor of Management and Economics, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

Email: a.hashemi@uma.ac.ir

Submitted: 20 October 2021 **Revised:** 12 November 2021 **Accepted:** 14 November 2021 **Published:** 30 July 2022

Publisher: Faculty of Management, Economics, Shahid Bahonar University of Kerman.

DOI: 10.22103/jdc.2021.18367.1164

©The Authors.



Abstract

The impact of human capital in both regimes is positive. In this regard, it can be argued that when governance and the quality of institutions are low, the necessary investments in human resources are not take place in this group of countries. The coefficients of abundance of natural resources are positive in both regimes, and with the transition to high levels of good governance (the second regime), the intensity of its positive influence increases. In other words, with the improvement of the good governance index and its components, the effect of natural resource management on production and economic growth has also improved, while in the low state of the good governance index, the abundance of natural resources has had a small effect on economic growth. Therefore, the effect of improving natural resources at a high level of good governance on the economic growth of Islamic countries is significant. The FDI has positive and significant impact on the GDP growth rate in every linear and non-linear parts.

So, in every regimes (linear and non-linear) good governance and natural resource abundance variables have positive and significant impacts on the economic growth and other explanatory variables such as gross capital formation, FDI and human capital have positive effects on GDP growth in every linear and nonlinear parts.

Conclusion: in the high level of governance accompanied with low corruption, redundant rules, political constraints, all indices of good governance attract domestic and foreign investment and accelerate economic growth.

Keywords: *Good Governance Index, Natural Recourses Abundance, Economic Growth, D8 Countries, PSTR Method.*

JEL Classification: C23, O47, I25.

Paper Type: *Research Paper.*

Citation: Yazdanshenas Bahoghogh, M., Khalili, F., Afshari Rad, M., & Hashemi Dizaj, A. (2022). The non-linear effects of good governance index and natural recourses abundance on economic growth in d8 countries (Smoothing transition regression in panel data). *Journal of Development and Capital*, 7(1), 157-180 [In Persian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مجلس شورای اسلامی ایران

مجله توسعه و سرمایه

شماره پانزدهم: ۲۰۰۸-۲۴۲۸ شماره کاتالوگ: ۲۶۰۶-۲۶۴۵

Homepage: <https://jdc.uk.ac.ir>



دانشگاه شهید باهنر کرمان

اثر غیرخطی نهادها و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی هشت کشور اسلامی در حال توسعه (رهیافت الگوی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی)

مهدی یزدانشناس با حقوق*

فرزانه خلیلی**

مجید افشاری راد***

عبدالرحیم هاشمی دیزج****

چکیده

هدف: نیل به رشد اقتصادی مطلوب و پایدار یکی از اهداف مهم نظام اقتصادی محسوب می‌شود. در این راستا نظریه‌های پایه رشد اقتصادی بر نهادهای سرمایه فیزیکی و انسانی به عنوان عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی تأکید داشتند اما نهادگرایان عواملی نظیر نهادها و مدیریت منابع طبیعی را برای رشد اقتصادی مطلوب و مناسب مهم و حائز اهمیت قلمداد می‌کنند.

روش: در این پژوهش تأثیر شاخص کلی حکمرانی خوب و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی هشت کشور اسلامی در حال توسعه با بهره‌گیری از الگوی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج تخمین مدل بیانگر وجود ارتباط غیرخطی از نوع انتقال ملایم لجستیکی بین شاخص حکمرانی خوب و وفور منابع طبیعی با رشد اقتصادی در این گروه از کشورها بوده است. همچنین در هر دو بخش خطی و غیرخطی تأثیرگذاری متغیرهای حکمرانی خوب و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی ۸ کشور اسلامی در حال توسعه افزایش و سرعت انتقال مدل برابر با ۱/۴۶ است. سایر متغیرهای توضیحی انباشت سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی نیز در هر دو بخش مثبت و معنادار است.

نتیجه‌گیری: در سطوح بالای حکمرانی (سطوح پایین فساد و مقررات زاید و محدودیت‌های سیاسی و سطوح بالای ثبات سیاسی و حاکمیت قانون و اثربخشی دولت) که کیفیت نهادها نیز در سطح بالایی است، تمامی مؤلفه‌های حکمرانی خوب باعث جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی گردیده و موجب تسریع در نرخ رشد اقتصادی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: رشد اقتصادی، نهادها، وفور منابع طبیعی، هشت کشور اسلامی در حال توسعه، رهیافت الگوهای انتقال ملایم در داده‌های تابلویی.

طبقه‌بندی JEL: C23، O47، I25.

نوع مقاله: پژوهشی.

استناد: یزدانشناس با حقوق، مهدی؛ خلیلی، فرزانه؛ افشاری راد، مجید و هاشمی دیزج، علی اکبر (۱۴۰۱). اثر غیرخطی نهادها و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی هشت کشور اسلامی در حال توسعه (رهیافت الگوی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی). *مجله توسعه و سرمایه*، ۱۵۷-۱۸۰، (۱)، (۱۷).

مجله توسعه و سرمایه، دوره هفتم، شماره ۱، صص. ۱۵۷-۱۸۰.

* دانشجوی دکتری گروه اقتصاد، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران. **ایانامه:** nnn_yzdanshenas@yahoo.com

** نویسنده مسئول، استادیار گروه اقتصاد، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران. **ایانامه:** farzaneh.khalili2001@gmail.com

*** دانشیار گروه اقتصاد عمومی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. **ایانامه:** m.feshari@khu.ac.ir

**** استادیار گروه مدیریت و اقتصاد دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. **ایانامه:** a.hashemi@uma.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۳ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۰/۵/۸

ناشر: دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

DOI: 10.22103/jdc.2021.18367.1164

©The Authors.



مقدمه

اثر نهادها بر عملکرد متغیرهای اقتصادی یک واقعیت انکارناپذیر است. تأثیر نهادهای انتخاب‌شده، ساختار بازار و سیاست‌های اقتصادی برای دستیابی به رشد اقتصادی میان‌مدت و بلندمدت از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است (کورنلیوس^۱ و همکاران، ۲۰۰۲). متغیر رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد^۲، یکی از مناسب‌ترین و بارزترین ابزار تعریف‌شده برای مجموعه‌ای از نهادها، ساختار و سیاست‌های ذکر شده است. در حقیقت، این شاخص برای تعریف عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، شاخص ذکر شده در جهت سنجش قابلیت‌های اقتصاد داخلی و بومی به منظور نیل به سطوح بالای رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در میان‌مدت تدوین شده است (سچز و وو^۳، ۱۹۹۷). همچنین در یک چارچوب گسترده، ارتباط بین حکمرانی خوب و رشد اقتصادی، بیان شده و مورد آزمون قرار گرفته است.

تا دهه ۱۹۹۰، مدل‌های رشد صرفاً در برگیرنده عوامل اقتصادی بودند، اما با توجه به اینکه این الگوها نتوانستند تفاوت درآمد سرانه کشورها را بطور کامل توضیح دهند، نظریات جدیدی مانند اقتصاد نهاد‌گرای جدید^۴ در ادبیات رشد بروز و گسترش پیدا کرد که رشد اقتصادی را تنها محدود به عوامل اقتصادی نمی‌دانستند. طرفداران اقتصاد نهاد‌گرا، نهادها را تبیین‌کننده محیط اقتصادی کشورها می‌دانستند و عامل اصلی عدم توسعه‌یافتگی و یا کمتر توسعه‌یافتگی برخی کشورها را نه فقط کمبود سرمایه بلکه نبود بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی مولد بیان می‌کردند. از این رو عامل نهادی را که در الگوهای سنتی و مرسوم رشد برونزا فرض می‌شد، از عوامل مهم تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها معرفی کردند. از سوی دیگر، الگوهای نئو کلاسیک رشد تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورها را ناشی از تفاوت در عوامل اقتصادی نظیر سرمایه (فیزیکی و انسانی) و بهره‌وری تلقی می‌کردند؛ اما تفاوت در انباشت سرمایه و بهره‌وری وابسته به عواملی است که اقتصاددانان نهاد‌گرا آن را ساختار نهادی هر کشور قلمداد می‌کنند. به نحوی که علت اصلی پایین بودن سطح درآمد سرانه در کشورهای توسعه نیافته را کمبود سرمایه و نیروی کار متخصص نمی‌دانند بلکه فقدان بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی مولد و انباشت سرمایه را عامل اصلی آن می‌دانند.

ادبیات اقتصاد سیاسی جدید رشد که از در ترکیب نظریه جدید «رشد درونزا» و «اقتصاد سیاسی کلان» نوین توسعه یافته، از اواخر دهه ۱۹۸۰ شروع و در اواخر دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. انتخاب سیاست که عموماً از طرف اقتصاددانان به عنوان متغیری برونزا در ادبیات جدید به طور درونزا مورد بررسی واقع گردید. یعنی عواملی نظیر نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست‌های عمومی، فرهنگ، مذهب و ... وارد مبانی و چارچوب نظری رشد شده و تحت عنوان عوامل نهادی مورد ارزیابی واقع گردیدند (ابراهیم پور و همکاران، ۱۳۹۹). اغلب مطالعات تجربی انجام شده اثر نهادها بر رشد اقتصادی را مثبت ارزیابی می‌کنند. از سوی دیگر مطالعات نظری و تجربی دلالت بر تأثیر‌گذاری رشد تولید و درآمد ملی بر نهادها نیز دارند. در اغلب

¹ Cornelious

³ Hu and Sachs

² Growth Competitiveness Index of the World Economic Forum

⁴ New Institutional Economics

پژوهش‌های داخلی صورت گرفته همانند **فاتی دابانلو و همکاران (۱۳۹۶)** و **ملکی حسنونند و همکاران (۱۳۹۸)** در رابطه با نهادها و رشد اقتصادی، تنها علت از سمت نهادها به رشد اقتصادی از طریق افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید، بهبود سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی، کاهش عدم اطمینان و هزینه‌های مبادله و بهبود سرمایه اجتماعی بررسی شده است. در این راستا پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که شاخص حکمرانی خوب و وفور مدیریت منابع طبیعی چه تأثیری بر رشد اقتصادی هشت کشور اسلامی در حال توسعه^۱ طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ دارد. برای بررسی این هدف، در بخش دوم به مروری بر ادبیات تحقیق پرداخته شده و در قسمت سوم، تصریح مدل و پایگاه داده‌های آماری ارائه می‌شود. بخش چهارم به ارائه نتایج تجربی پرداخته و در نهایت در قسمت پنجم نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها و سیاست‌گذاری بیان می‌شود.

مروری بر ادبیات تحقیق

در این بخش به مروری نظری و تجربی بر رابطه شاخص نهادی و مدیریت منابع طبیعی با رشد اقتصادی پرداخته شده و در ادامه مهمترین مطالعات تجربی صورت گرفته در خارج و داخل کشور مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

مبانی نظری تحقیق

نظریه‌های نوین رشد اقتصادی بر نهادهای سیاسی و اقتصادی و همچنین اثر حکمرانی بر تولید و رشد اقتصادی تأکید دارند. **عجم اوغلو و رایبسون^۲ (۲۰۱۲)** ریشه‌های قدرت، شکوفائی و فقر مثال‌های مختلف از برهه‌های تاریخ را همراه با شواهد و مستندات متعدد معرفی می‌کند که در همه آنها، تصمیم‌گیری‌های نامناسب و ناصحیح توسط رهبران به‌عنوان یک عامل مشترک ملاحظه می‌شود. واضح است که باید بررسی نمود چه عاملی این رهبران و نظام تصمیم‌گیری را به نقطه مذکور سوق داده است. بر مبنای مطالعه **عجم اوغلو و رایبسون (۲۰۱۲)**، عملکرد این نهادها و صحت و یا عدم صحت عملکرد آنها است که در نهایت منجر به بروز طبقه‌ای از نخبگان و تصمیم‌سازان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و غیره می‌شود که مجموع و برآورد تصمیم‌گیری‌های آنها جامعه را به سمت و سوی خاص و بهبود رشد اقتصادی و درآمد سرانه هدایت خواهد کرد. حال، اگر این سمت و سوی مناسب و متناسب با آن برهه تاریخی جامعه و جهان باشد جامعه به پیروزی در اهداف اقتصادی از جمله رشد اقتصادی و بهبود درآمد سرانه رهنمون می‌شود. اگر هم، چنین نباشد می‌توان پی برد که دچار انحطاط و افول خواهد شد.

عجم اوغلو و رایبسون (۲۰۱۲) تأکید دارند جوامع با شیوه‌های اداره نامناسب به دولت‌هایی ناموفق تبدیل می‌شوند، اما می‌توان در این باره اقدامی نمود. می‌توان دولت‌هایی با زیرساخت و نظم و قانون داشت که مردم با اطمینان و آرامش به کار و کسب پردازند و به خدمات عمومی پایبند باشند، اما اراده سیاسی برای این کار وجود ندارد. نیازی به وجود نیروهای نظامی برای اجرای چنین طرح و برنامه‌هایی نیست؛ آنچه لازم است دقیقاً یک نظام اداری کارآ و توانمند است تا پایه‌های نهادی بازارها را ایجاد نماید. در یک جمع‌بندی می‌توان اظهار نمود در الگوهای مرسوم و متعارف رشد، کشورها و نیز تکنولوژی

^۱ گروهی اقتصادی متشکل از هشت کشور در حال توسعه اسلامی شامل

ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، مصر و نیجریه است.

^۲ Acemoglu and Robinson

تولید، مشابه در نظر گرفته می‌شدند. این مدل‌ها دلیل اختلاف سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را به نرخ پس‌انداز و نرخ رشد نهاده‌های تولید وابسته می‌دانستند. در مرحله دوم اقتصاددانان سعی کردند با کنترل مدل نسبت به عوامل دیگر، نظیر سرمایه انسانی، تعمیق بخش مالی، کیفیت سیاست‌های کلان اقتصادی در کشورهای مختلف، رشد یاقیمانده یا توضیح داده نشده را حداقل کنند (شریف‌آزاده و حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۲). در این زمینه تفاوت تکنولوژی در کشورها و مناطق مختلف در نظر گرفته شد؛ اما همچنان رشد باقیمانده قابل ملاحظه بود. در گام سوم اندیشمندان توسعه توجه خود را به عوامل غیراقتصادی تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ابراز داشتند. در این خصوص این سؤال ایحاد شد که چه وابستگی و ارتباط متقابلی بین نهادها و رشد اقتصادی و درآمد سرانه برقرار است (رنانی، ۱۳۷۶). در این باره بیان می‌دارد، برخلاف باورهای قبلی که تحقق رشد اقتصادی را یا مستلزم دولتی شدن اقتصاد می‌دانند و یا به بازاری شدن اقتصاد مرتبط می‌دانستند، اقتصاد نهادگرایی جدید بر این باور است که اقتصاد باید ترکیب بهینه‌ای باشد از نهادهای بازاری و غیربازاری؛ یا با واژگان کلاسیک، ترکیبی از بازار، برنامه و سنت؛ و یا با واژگان نهادگرایان، ترکیبی از بازار، دولت و بنگاه (به مفهوم یک مجموعه نهادین منظم، هدفمند و دارای سلسله مراتب). اما این مجموعه نهادها، باید به گونه‌ای ترکیب شوند که نه تنها هزینه مبادله (در قراردادهای خصوصی میان کارگزاران اقتصادی) و سواری مجانی (در تصمیمات جمعی) را حداقل کنند (که برای کارایی تخصیصی بازار، ضروری است) بلکه سایر شاخص‌های عملکرد اقتصاد را نظیر امنیت، عدالت توزیعی، مروّت و همدردی، آزادی و ... نیز بهبود بخشند (کارایی برتر). عجم اوغلو و همکاران (۲۰۰۲) اعتقاد دارند تفاوت‌های اساسی کشورهای در حال گذار، بحران‌ها و عملکردهای رشد، دلایل نهادی دارد و عملکرد ضعیف اقتصاد کلان و انحراف سیاست‌های کلان اقتصادی نشانه‌های این بیماری نهادی هستند.

در مورد واژه حکمرانی می‌توان اظهار داشت که «انعطاف‌پذیر و چند بعدی و وسیع است». اما اکثر تعاریف حکمرانی در ارتباط «مقیاس و ظرفیتی است که دولت‌ها پاسخگویی تقاضای شهروندان خود بوده و خدمات اساسی از جمله حمایت و نگاهداری از حقوق مالکیت فکری و حاکمیت قانون^۱ را برای آنها مهیا می‌نمایند.

برای تبیین و فهم صحیح اثرات اقتصادی حکمرانی، پژوهش‌ها و مطالعات وسیعی لازم است در خصوص دلایل تفاوت نهادها به صورت بین کشوری صورت گیرد. به عبارت دیگر، چرا برخی کشورها نهادهایی دارند که در ارائه خدمات به شهروندان خود در مقایسه با سایر کشورها ناکارآمد هستند؟ به چه دلیل در برخی کشورها فساد رایج است و در سایر کشورها مرسوم نیست؟ چرا در کشورهای مختلف، در بوروکراسی اداری و یا حفاظت از حقوق مالکیت تفاوت‌هایی ملاحظه می‌شود؟ چارچوب و مبانی نظری اخیر در حوزه توسعه اقتصادی در نظر دارد تا به برخی از این سؤال‌ها پاسخ دهد.

در پاسخ به این سؤال که چرا برخی کشورها نهادهایی دارند که گرایش به بطئی نمودن فرایند رشد اقتصادی دارد، نظریات متفاوتی ارائه شده است که تفاوت در ویژگی‌های جغرافیایی، فرهنگ و نهادها به عنوان اصلی‌ترین علل تفاوت در عملکرد

^۱ قانون تساوی افراد در برابر قانون (The rule of law)

اقتصادی کشورهای مختلف بیان شده است. اما از بین این عوامل تفاوت در نهادهای اقتصادی و سیاسی به عنوان مهم ترین و اساسی ترین مؤلفه های تفاوت در عملکرد اقتصادی جوامع محسوب می شود. محققان زیادی ارتباط بین ساختارها و نهادهای سیاسی، نهادهای اقتصادی و عملکرد اقتصادی را بررسی و کنکاش کرده اند. نظریه های سیاسی بیان می کنند که نهادها به وسیله کسانی که در مرکز قدرت و تصمیم گیری هستند شکل می گیرند. آقیون و دورلوف^۱ (۲۰۰۵) استدلال می کنند که گروه های با منافع مختلف نهادهای متفاوتی را ترجیح می دهند و گروهی که قدرت سیاسی بیش تری دارند، در نهایت تصمیم می گیرد که چه نهادهایی مسلط شوند.

سؤال این است که چگونه این نهادها بر پیامدهای اقتصادی تأثیر می گذارند؟ پاسخ این است که نهادهای سیاسی و اقتصادی مناسب و کارآمد منافع عموم را حداکثر کرده و حاکمان در این ساختارها مسئول تمامی اقدامها و تصمیمات خود هستند؛ در حالی که نهادهای نامناسب منافع حزبی یا فردی را به نفع عموم جامعه حداکثر کرده و در این حالت حاکمان پاسخگوی جامعه نیستند و تلاش برای کسب منافع بیش تر و رانت های گسترده تر ممکن است منجر به تخصیص ناکارآمد منابع از نظر رفاه عمومی شود. علاوه بر این، منابع به جای فعالیت های مؤلد و پر بازده جای خود را به فعالیت های بدون ثمر و در جست و جوی رانت می دهند. حکمرانی خوب سرمایه انسانی و کارایی استفاده از منابع را ارتقاء داده و از این رو رشد اقتصادی را افزایش می دهد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶).

حکمرانی خوب برای حفظ و نگهداری یک سیستم سیاسی در یک کشور مورد نیاز است. پس از آنکه نظام سیاسی باثبات گردید، رشد اقتصادی اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. بنابراین، حکمرانی خوب در سطح کلان مهم است. از سوی دیگر، حکمرانی خوب به طور مشخص در سطح خرد نیز مورد نیاز است، حتی زمانی که شخصی یک مغازه کوچک و یا یک شرکت در سطح ملی اداره می کند، نیز حکمرانی خوب مورد نیاز است. در سال های اخیر تلاش بسیاری از اقتصاددانان برای ایجاد و برقراری حکمرانی خوب است که در محیط های دانشگاهی امروز نیز بسیار در خصوص آن بحث می گردد و بخش وسیعی از شعارهای سیاسی را نیز بخود اختصاص داده است. با وجود اینکه در مطالعات مختلف، حکمرانی خوب پیش نیاز رشد اقتصادی است، اما هنوز رابطه بین این دو متغیر مشخص نشده است (زبیر و خان، ۲۰۱۴).

فرض حکمرانی خوب بعنوان پیش نیاز مهم رشد، توسط مطالعه کافمن و کرای (۲۰۰۲) تأیید شده است. نتایج پژوهش آنها نشان می دهند که کیفیت حکمرانی تأثیر مهمی بر رشد میان مدت و بلندمدت می گذارد. سایر نتایج این مطالعه، و البته نتیجه کاملاً جدید، اشاره به این دارد که سطوح حکمرانی بهبود نمی یابد مگر با توجه به فرآیند توسعه. عبارت دیگر، رشد بالا به خودی خود، مستلزم کیفیت حکمرانی بهبود یافته نیست. مطابق با آن نتیجه، برای دستیابی و بهبود سطوح پایدار رشد میان مدت و بلندمدت، لازم است بطور آگاهانه ای در ساختار، فرآیندها، نهادها و بازیگرانی که دستگاه دولتی را تشکیل می دهند، مداخله صورت گیرد (وهووار و جاگر، ۲۰۰۳).

¹ Aghion and Durlauf

در ادامه به بررسی تأثیر متغیرهای مؤثر بر رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. یکی از متغیرهای اساسی اثربخش بر رشد اقتصادی، متغیر انباشت سرمایه فیزیکی یا تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی است. سرمایه‌گذاری، عامل عمده پیشرفت اقتصادی بشمار می‌آید و عبارت است از تمام هزینه‌هایی که موجب حفظ، ابقا و یا افزایش ظرفیت‌های تولید، و همچنین ایجاد درآمد می‌شود (فورمن و هایس^۱، ۲۰۰۴). به بیان دیگر آن دسته از مخارجی است که صرف تقویت ظرفیت تولید و یا عدم کاهش آن می‌شود. بطور کلی توسعه پایدار مبتنی بر دانش و فناوری است و توسعه دانش و فناوری نیز بر پایه خلاقیت و نوآوری صورت می‌پذیرد. همچنین، دستیابی به توسعه علمی مستلزم افزایش و تجهیز منابع، امکانات و تسهیلات مادی بیشتر به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی است. از دیدگاه نظریه کلاسیک، انباشت سرمایه عامل توسعه اقتصادی است (الماسی و سپهان قره‌بابا، ۱۳۸۸). در معادله رشد نئو کلاسیک، سرمایه و نیروی کار از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تولیدات داخلی محسوب می‌شوند. لاندون‌لین و رابرتسون^۲ (۲۰۰۳) و ایواساکو و فوتاگامی^۳ (۲۰۱۳) از این متغیر در پژوهش خود بهره برده‌اند.

دیگر متغیر تأثیرگذار در معادله رشد، متغیر سرمایه انسانی است. کوزنتس (۱۹۷۳) مفهوم سرمایه که تنها سرمایه فیزیکی و کالایی را شامل می‌شود؛ مفهومی ناقص و مبهم می‌دانست؛ لذا، لازم است سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی در نظر گرفته شوند. وی بیان می‌کند: سرمایه انسانی یک کشور صنعتی پیشرفته، ابزارها و آلات صنعتی آن کشور نبوده؛ بلکه، انباشت دانش‌هایی است که از آزمون‌های مختلف کسب شده و کارآزمودگی افراد آن کشور برای کاربردی نمودن این دانش‌هاست. همچنین، شولتز^۴ از پیشگامان نظریه سرمایه انسانی اعتقاد داشت ارتقای کیفیت نیروی کار که به روش سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی ایجاد می‌شود، به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده تولید در تحلیل‌های پیشین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی نادیده در نظر گرفته شده است (شولتز، ۱۹۶۱). لذا، برخی از محققین اقتصادی با بهره‌گیری از توابع تولید توانستند تولید اضافی حاصله به وسیله سطوح بالاتر آموزش را برآورد نمایند. آنها باور داشتند بهبود کیفیت آموزشی، تولید اقتصادی را افزایش می‌دهد. زیرا، نتایج آموزش رسمی و غیررسمی در کسب توانمندی و قابلیت‌های مازاد و توانایی‌های بالقوه افراد در بازار کار و سرمایه انسانی در تولید، پنهان است. افزون بر این، وجود این افراد خلاق و ماهر و توانمند باعث می‌شود ظرفیت تولید در کل اقتصاد افزایش یافته و در نتیجه، به رشد اقتصادی کمک کند (صادقی و عمادزاده، ۱۳۸۲). پولاسک^۵ و همکاران (۲۰۱۰)، گول ژفسکا^۶ (۲۰۱۰)، سوندی و ویشر^۷ (۲۰۱۱) نیگو^۸ (۲۰۱۲) در مطالعات خود از این متغیر استفاده کرده‌اند.

وفور منابع طبیعی دیگر متغیر لحاظ شده در معادله رشد است. در مقابل نظریاتی که بر اثر مثبت و وفور منابع طبیعی در فرآیند تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی تأکید دارند، نظریه نفرین منابع طبیعی که توسط آوتی^۹ (۱۹۹۳) مطرح شد، به ارتباط معکوس بین وفور منابع طبیعی و رشد و توسعه اقتصادی می‌پردازد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۲). این نظریه بر مبنای این واقعیت اساسی

¹Furman and Hayes

²Landon-Lane and Robertson

³Iwaisako and Futagami

⁴Schultz

⁵Polasek

⁶Golejewska

⁷Sunde and Vischer

⁸Neagu

⁹Auty

است که اقتصادهای فقیر از لحاظ منابع، عملکرد بهتری در مقایسه با اقتصادهای ثروتمند از لحاظ منابع، داشته‌اند و همچنین بر آثار نهادی و سیاسی فراوانی طبیعی تاکید دارد (یوسایی^۱، ۱۹۹۷).

ارتباط منفی میان فراوانی منابع طبیعی و عملکرد رشد از طریق اثر فراوانی منابع طبیعی بر انتخاب سیاستی توضیح داده می‌شود: هرچه کشورها از لحاظ منابع طبیعی ثروتمندتر باشند، از یک سو سیاست‌های کلان ضعیف در مدت زمان طولانی‌تر دوام می‌یابد. از سوی دیگر فشار کمتری برای رسیدن به بلوغ صنعتی سریع وجود خواهد داشت. ثالثاً، گروه‌های رانت جو ریشه‌دار شده و در نهایت احتمال کاهش شتاب و نامنظم‌تر شدن رشد اقتصادی بیشتر می‌شود (آوتی، ۱۹۹۴). کاواکانتی^۲ و همکاران (۲۰۱۱)، فان^۳ و همکاران (۲۰۱۲) و حمدی و سبیا^۴ (۲۰۱۳) از این متغیر در پژوهش‌های خود بهره گرفته‌اند.

دیگر متغیر موجود در معادله، متغیر انباشت جریان سرمایه‌گذاری مستقیم و یا غیرمستقیم خارجی است. انباشت سرمایه داخلی به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اساسی فرآیند تولید، از منابع داخلی یا خارجی قابل تأمین است. منابع مالی خارجی به‌عنوان مکملی برای پس‌انداز داخلی افزون بر پر کردن شکاف پس‌انداز- سرمایه‌گذاری، راه‌حلی برای مقابله با شکاف منابع ارزی نیز است. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی بیشتر به‌وسیله بخش خصوصی و در قالب شرکت‌های چندملیتی صورت می‌گیرد و به‌عنوان جریان خصوصی سرمایه نام برده می‌شود (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵).

تئوری‌های اقتصاددانان در خصوص جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و عوامل مؤثر بر آن به دو شکل است، اولاً: بررسی و تبیین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان بخشی از سرمایه‌گذاری، همچنان که تئوری‌های اقتصاد کلاسیک، سرمایه‌گذاری را یکی از عوامل رشد اقتصادی می‌دانند. اما تئوری‌های نوین اقتصادی علاوه بر حفظ اهمیت سرمایه‌گذاری به انباشت تکنولوژی و فناوری تولید و شیوه‌های مدیریتی جدید که در رشد اقتصادی نقش بسزایی ایفا می‌کنند توجه می‌نمایند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزون بر مرتفع نمودن محدودیت‌های سرمایه در کشور، با داشتن دو نهاد جدید رشد، نقش قابل توجهی در نظریه‌های اخیر اقتصادی دارد. برخی از اندیشمندان اقتصادی جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به‌عنوان بخشی از تجارت بین‌الملل کنکاش و بررسی نموده‌اند. در این رهیافت سرمایه‌گذاری مستقیم تابع مقررات بین‌المللی است که به نظریه ترکیبی دانینگ^۵ معروف است، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تابع موقعیت‌های مکانی است (فراوسن و ژوزفسون^۶، ۲۰۰۴). ارشدخان و علی‌خان^۷ (۲۰۱۱)، تیواری و موتاسو^۸ (۲۰۱۱) و بالتاباev^۹ (۲۰۱۳) از این متغیر در مطالعات خود استفاده کرده‌اند.

در بیان ارتباط مبانی نظری با روش‌شناسی تحقیق می‌توان بیان کرد که متغیرهای اشاره شده در بخش مبانی نظری لازم است در تصریح و تبیین مدل لحاظ شده تا ادبیات نظری بخش روش‌شناسی تحقیق را پشتیبانی نماید.

¹Usui

²Cavacanti

³Fan

⁴Hamdi and Sbia

⁵Dunning

⁶Frawsen and Josefsson

⁷Arshad Khan and Ali Khan

⁸Tiwari and Mutascu

⁹Baltabaev

پیشینه تحقیق

در این بخش مهمترین مطالعات تجربی خارجی و داخلی در رابطه با تأثیر عوامل نهادی و منابع طبیعی بر تولید و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آودولاج^۱ و همکاران (۲۰۲۱) با بهره‌گیری از رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر شاخص ادراک فساد و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۲ کشور اروپای شرقی طی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۲۰ پرداخته‌اند. نتایج دلالت بر تأثیرگذاری مثبت و معناداری اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌گری مقررات و شاخص ادراک فساد بر درآمد سرانه کشورهای مورد مطالعه دارند. **سیهام^۲ (۲۰۲۰)** توسط رهیافت داده‌های تابلویی پویا و تخمین‌زننده گشتاور تعمیم‌یافته به بررسی اثرگذاری شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۲۰ کشور منتخب در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۶ پرداخته و به این نتیجه می‌رسند که شاخص‌های حکمرانی خوب، درجه بازبودن اقتصاد و سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی طی سال‌های مورد مطالعه داشته‌اند.

ماتاله^۳ (۲۰۲۰) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی ایستا و روش اثرات ثابت و تصادفی به بررسی نقش حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۱ کشور صادرکننده نفت در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه می‌گیرد که شاخص کیفیت مقررات و اثربخشی دولت اثر معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی داشته و در خروج اقتصاد این کشورها از نفرین منابع طبیعی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

ایسمان و نجه^۴ (۲۰۱۹) بوسیله از روش همجمعی حداقل مربعات تصحیح شده و پویا به بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و حکمرانی خوب در مراکش طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه می‌گیرند در بلندمدت شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی این کشور دارند.

عبدالباری و بنهین^۵ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی پویا و تخمین‌زننده گشتاور تعمیم‌یافته به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۰۱ کشور طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۵ پرداخته و نشان می‌دهند شاخص کیفیت مقررات، سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی دارند. **هیسام‌اوغلو^۶ (۲۰۱۸)** به بررسی اثر نهادها و رشد اقتصادی در ترکیه طی بازه زمانی ۲۰۱۶-۱۹۸۷ می‌پردازد. نتایج این پژوهش ضمن اشاره بر نقش مهم نهادها بر رشد اقتصادی ترکیه، دلالت بر این دارد تأثیر کیفیت قوانین و بروکراسی و مدیریت تضادهای اجتماعی و تنش‌های سیاسی بیش از سایر شاخص‌های نهادی بر رشد اقتصادی ترکیه مؤثر بوده است.

¹Avdulaj

²Siham

³Matallah

⁴Ismahen and Najeh

⁵Abdelbary and Benhin

⁶Hisamoglu

هوانگ و هانگ هو (۲۰۱۷) با استفاده از روش علیت گرنجر به بررسی رابطه علی بین حکمرانی خوب و رشد اقتصادی در کشورهای جنوب شرقی آسیا طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه می‌گیرند رابطه علی یک سویه از حکمرانی خوب به رشد اقتصادی در این کشورها برقرار است.

پوترمن^۱ (۲۰۱۳) به بررسی اثر نهادها و ظرفیت‌های اجتماعی بر رشد اقتصادی در نواحی مختلف جهان و بازه‌های مختلف زمانی بعد از انقلاب صنعتی تا کنون می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد یکی از دلایلی که برخی از کشورها، رشد سریع اقتصادی را تجربه نمودند، پیشرفت و افزایش ظرفیت‌های اجتماعی کشورها به واسطه بهبود کیفیت نهادها است.

دiaz و تبالدی^۲ (۲۰۱۲) به بررسی ارتباط بین سرمایه انسانی و نهادها با رشد اقتصادی با استفاده از رهیافت پانل دیتا و روش گشتاورهای تعمیم یافته برای بیش از ۵۰ کشور منتخب جهان در بازه زمانی ۲۰۰۵-۱۹۶۵ می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد بهبود در کیفیت نهادها، انباشت سرمایه انسانی را بهبود بخشیده، نابرابری درآمدی را کاهش داده و حرکت در مسیر تاریخی توسعه را تسریع می‌کند. همچنین نتایج این مطالعه تاکید می‌کند زیرساخت‌های مستحکم و نهادهای ساختاری که برای رشد اقتصادی ضروری بنظر می‌رسند، عملکرد بلندمدت اقتصادی کشورها تحت تأثیر قرار می‌دهد، حال آنکه در کوتاه مدت اثر چندانی بر رشد اقتصادی ندارد. همچنین ضریب اثرگذاری نهادهای سیاسی بر بهره‌وری و رشد بلندمدت اقتصادی، بی‌معنا است. از طرف دیگر، شدت تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای توسعه یافته است.

آرزکی و ون در پلاگ^۳ (۲۰۱۰) به بررسی نقش منابع طبیعی بر درآمد سرانه در دو گروه از کشورها با سیاست‌های اقتصادی خوب و بد و نقش مؤثر قانون در اقتصاد می‌پردازند. نتایج مبین این است وابستگی به منابع طبیعی تأثیر منفی و معنادار بر درآمد سرانه دارد بویژه در کشورهایی که نقش قانون در اقتصاد ضعیف است و یا در آنها سیاست‌های اقتصادی بد اعمال می‌شود.

هیونه و جاجو-چاوز^۴ (۲۰۰۹) به بررسی ناپارامتریک تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۲۵ کشور (طبقه‌بندی شده به ۵ گروه اروپای غربی، اروپای شرقی، آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، آسیا و آفریقا) در بازه زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۶ می‌پردازند. نتایج پژوهش بیانگر این است که تنها سه شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون از شش شاخص حکمرانی بر رشد اقتصادی تأثیر گذارند و سه شاخص دیگر کنترل فساد، اثربخشی دولت و قدرت تنظیم کنندگی بر رشد اقتصادی بی‌تأثیر است. همچنین شواهد تجربی نشان می‌دهد حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون دارای تأثیر غیرخطی بر رشد اقتصادی هستند و این موضوع به علت ناهمگنی شاخص‌های مذکور بین کشورها، مناطق و زمان‌هاست. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که تغییرات در جهت بهبود شاخص حکمرانی می‌تواند بیش از اصلاحات دیگر اقتصادی بر رشد اقتصادی مؤثر واقع شود.

¹Putterman

²Dias and Tebaldi

³Arezki and Van der Ploeg

⁴Huynh and Jacho-Chávez

آیدت^۱ و همکاران (۲۰۰۸) به بررسی تأثیر شاخص پاسخگویی سیاسی به عنوان عامل نماگر فساد و همچنین با در نظر گرفتن یک متغیر ابزاری برای مشخص نمودن سطح حکمرانی بر رشد اقتصادی (نرخ رشد بازای هر واحد GDP) در ۸۴ کشور جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۰ پرداخته‌اند. نتایج حاصل گویای آن است که تأثیر متغیر فساد بر رشد اقتصادی به وضعیت حکمرانی موجود بستگی دارد. زمانی که کیفیت نهادها یا حکمرانی در سطح بالایی هستند، فساد باعث کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. ولی در نظام با کیفیت نهادی یا حکمرانی پایین تأثیر فساد بر رشد اقتصادی معنادار نیست. از طرف دیگر، تأثیر فساد بر رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت قوی‌تر از بلندمدت است.

در مطالعه گیلبرت^۲ (۲۰۰۳) اهمیت حکمرانی خوب و کیفیت نهادها در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف بررسی می‌شود. وی در این مطالعه با استفاده از داده‌های تابلویی در دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۰ برای ۱۰۲ کشور در حال توسعه جهان، نتیجه‌گیری می‌کند ارتباط مستقیم و معناداری میان شاخص‌های کیفیت مقررات و کارایی دولت به عنوان جانشینی برای شاخص حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی که به وسیله نرخ رشد درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود، وجود دارد. مطالعات بالداسی و همکاران (۲۰۰۳)، هال^۳ و همکاران (۱۹۹۹) و کانگوندا^۴ (۲۰۰۶) دربرگیرنده ارتباط مثبت میان حکمرانی خوب و رشد اقتصادی است.

کناک^۵ (۲۰۰۲) در کتابی تحت عنوان «دموکراسی، حکمرانی و رشد اقتصادی» تلاش نموده تا با ایجاد ارتباط میان دموکراسی و حکمرانی، به ارزیابی اثر دموکراسی بر رشد اقتصادی بپردازد. از این رو از آمار و اطلاعات بین‌کشوری برگزیده کشورهای در حال توسعه در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۶۰ استفاده نمود. نتایج رگرسیون بیانگر اثر مثبت و معنادار میان وضعیت نهادها و کیفیت حکمرانی است. بنابراین نهادهای دموکراتیک قوی‌تر حکمرانی را تحت تأثیر قرار داده و از طریق کاهش فساد و تسهیل روند تغییرات فناوری، رشد اقتصادی بالاتر را محقق می‌سازند.

گراستین^۶ (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای بصورت نظری به بیان ارتباط رشد اقتصادی و حکمرانی پرداخته است. وی با بیان اینکه یک جنبه حیاتی این مدل این است که اجرای قانون هنگام هدایت بسوی حمایت بهتر از حقوق مالکیت (و بنابراین ارتقای رشد) دارای هزینه و نیازمند منابعی است که تنها در اقتصادهایی که به اندازه کافی قوی هستند، وجود دارد. بنابراین، این تحلیل دو حالت را معرفی می‌کند: یک حالت با حداقل حمایت از حکمرانی و درآمد پایین و دیگری با حمایت کامل از حکمرانی و درآمد بالا. در هر دو حالت بهبود شاخص حکمرانی باعث ارتقا رشد اقتصادی می‌گردد.

کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۹) اثر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی را با استفاده از داده‌های تابلویی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان) در دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۶ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهد در ایران کیفیت حکمرانی دارای وضعیت مطلوبی نیست. نتایج حاصل از برآورد مدل نیز نشان می‌دهد شاخص کیفیت حکمرانی

¹Aidt

²Gilbert

³Hall

⁴ Kangundu

⁵ Knack

⁶Gradstein

در هر سه کشور دارای تأثیر مثبت و معنادار بر نرخ رشد اقتصادی است. میزان تأثیر گذاری این شاخص در ترکیه بیشتر از ایران و پاکستان است.

بشیری و شقاقی شهری (۱۳۹۰) با استفاده از روش داده‌های تابلویی به بررسی ارتباط حکمرانی خوب، شاخص ادراک فساد اداری و رشد اقتصادی در کشورهای آسیای جنوب غربی^۱ در فاصله زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۶، پرداخته‌اند. یافته‌های تجربی ناشی از برآورد مدل نشان می‌دهند مؤلفه‌های مختلف شاخص حکمرانی خوب تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی دارند.

شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۹۱) با بیان شاخص حکمرانی به عنوان عامل اساسی توسعه اقتصادی، به تحلیل آماری شاخص‌های حکمرانی و برخی از متغیرهای توسعه اجتماعی و اقتصادی طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۶ برای ۳۵ کشور برگزیده از آسیای جنوب شرقی، غرب آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا می‌پردازند. به طور ضمنی، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، بهبود شاخص‌های حکمرانی (همچون شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی خدمات عمومی، مقررات تنظیم‌گری دقیق، تأمین قضایی و کنترل فساد) در کشورهای مورد بررسی، می‌تواند اثرات معناداری بر ارتقا شاخص‌های توسعه مانند درآمد سرانه، امید به زندگی، بهداشت و آموزش و نرخ بیکاری و بنابراین افزایش رفاه اجتماعی داشته است.

شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴) با بهره‌گیری از رهیافت داده‌های تابلویی به بررسی ارتباط بین حکمرانی و آزادی اقتصادی در کشورهای عضو D8 و G7 طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ پرداخته و به این نتیجه می‌رسند وضعیت کشورهای در حال توسعه D8 در قیاس با کشورهای توسعه یافته G7 در شاخص‌های حکمرانی و آزادی اقتصادی نامناسب است. همچنین براساس نتایج مطالعه به نظر می‌رسد، کشورهایی که در بهبود شاخص‌های حکمرانی موفق‌تر عمل کرده‌اند؛ اقتصادهای آزادتری هستند. از اینرو انتظار بر آن است، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی کشورهای مورد مطالعه در برنامه ریزی‌های اقتصادی اهمیت ویژه‌ای برای بهبود مؤلفه حکمرانی قائل باشند و زمینه بهبود شاخص‌های آزادی اقتصادی را مهیا نمایند.

فاتحی دابانلو و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط بین نهادها و توسعه در کشورهای منطقه خاورمیانه طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ می‌پردازند. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد در کشورهای صادرکننده و غیرصادرکننده نفت منطقه خاورمیانه اختلاف معناداری بین تأثیر متقابل نهادها و توسعه وجود دارد.

محمدی و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از روش داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی و شاخص‌های آن بر نرخ رشد تولید سرانه در ۹۷ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۰ پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کنند شاخص‌های حکمرانی در مورد گروه‌های درآمدی متفاوت اثرات یکسان و مشابهی به همراه ندارند. بنابراین مؤلفه اظهارنظر و پاسخ‌گویی صرفاً در سه گروه از کشورها (گروه‌های سوم، چهارم و پنجم) تأثیرگاری مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. مؤلفه ثبات و پایداری

^۱ ایران، قزاقستان، عربستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، فلسطین، کویت، قطر، لبنان و بحرین.

سیاسی در گروه سوم تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی داشته و در سایر گروه‌ها این اثر معنادار نیست. مؤلفه اثربخشی دولت تنها در گروه‌های سوم، چهارم و پنجم تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. در گروه اول شاخص کیفیت تنظیم‌گری قوانین و مقررات تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی گذاشته است.

جلیلی و سلمانی‌بیشک (۱۳۹۷) با بهره‌گیری از داده‌های ۳۱ کشور غنی از نفت (جایگزین منابع طبیعی) در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ و روش اثرات همبسته مشترک داده‌های تابلویی پویا به مطالعه رابطه وفور منابع حکمرانی و رشد اقتصادی با تأکید بر نقش فناوری اطلاعات پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد نقش منابع طبیعی در رشد اقتصادی به کیفیت حکمرانی در کشورها بستگی دارد.

ایزدخواستی (۱۳۹۷) به تجزیه و تحلیل تأثیر کیفیت حکمرانی و ترکیب مخارج دولت بر پویایی‌های سرمایه، مصرف و رشد اقتصادی در چارچوب یک مدل رشد درون‌زا در اقتصاد ایران می‌پردازد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که افزایش کیفیت حکمرانی از طریق اثرگذاری بر ساختار مخارج دولت و کاهش رانت دولتی موجب افزایش ذخیره سرمایه سرانه، تولید سرانه، مصرف سرانه و سطح رفاه در وضعیت یکنواخت شده است.

ملکی حسونند و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا و تخمین‌زننده گشتاور تعمیم یافته به بررسی تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۲ می‌پردازند. یافته‌های تجربی این مطالعه بیانگر این است که حکمرانی خوب (میانگین وزنی شش شاخص) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی هستند. همچنین تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی دوره گذشته و درجه بازبودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است.

ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹) با استفاده از روش داده‌های تابلویی نامتوازن و روش اثرات ثابت به تحلیل نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در رابطه بین جهانی‌شدن و رشد اقتصادی در ۱۳۲ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۷ پرداخته و به این نتیجه می‌رسند که شاخص حکمرانی تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص رشد اقتصادی دارد و همچنین شاخص جهانی شدن بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد و در نهایت حکمرانی خوب به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر در رابطه بین شاخص جهانی شدن و رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

مروری بر سوابق پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که در مطالعات صورت گرفته و بویژه پژوهش‌های داخلی به بررسی کیفی رابطه بین حکمرانی و کیفیت نهادی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند و با بهره‌گیری از رهیافت داده‌های تابلویی خطی ارتباط بین شاخص‌های حکمرانی خوب و رشد اقتصادی را تبیین نموده‌اند.

از آنجا که انتظار می‌رود در طول زمان و در سطوح مختلف نظام، کیفیت نهادی مقدار ضرایب و نحوه تأثیرگذاری آن بر رشد اقتصادی کشورها تغییر یابد. لذا، این مطالعه گامی فراتر نهاده و در راستای رفع این نقیصه، با بهره‌گیری از مدل رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی به‌عنوان مناسب‌ترین الگوی تغییر رژیم ملایم و آرام به بررسی روابط غیرخطی و آستانه‌ای بین این دو متغیر می‌پردازد. بنابراین، نوآوری و وجه تمایز این مطالعه در مقایسه با مطالعات داخلی همانند **ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹)**،

ملکی حسونند و همکاران (۱۳۹۸) و جلیلی و سلمانی‌بیشک (۱۳۹۷) مدل‌سازی تجربی و تصریح الگو با استفاده از مبانی نظری مرتبط و برآورد مدل به روش غیرخطی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ است.

تصریح مدل و پایگاه داده‌های آماری

با عنایت به مباحث بیان شده در چارچوب و مبانی نظری و نیز با استناد به مطالعات تجربی نظیر آودولاج و همکاران (۲۰۲۱) و سیهام (۲۰۲۰)، الگوی تجربی در این پژوهش بصورت زیر تصریح می‌شود:

$$GGDP_{it} = C + \beta_1 GCF_{it} + \beta_2 HC_{it} + \beta_3 FDI_{it} + \beta_4 RA_{it} + \beta_5 IQ_{it} + u_{it} \quad (1)$$

متغیرهای مورد استفاده شامل:

GGDP: رشد تولید سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰

GCF: انباشت سرمایه ناخالص ثابت به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰

HC: متوسط سال‌های تحصیل افراد بالای ۱۵ سال

FDI: خالص انباشت جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی

RA: شاخص وفور منابع طبیعی که برابر با مجموع درآمد ناشی از فروش نفت، گاز، زغال‌سنگ، مواد معدنی و جنگلی به تولید ناخالص داخلی حقیقی است.

IQ: شاخص کیفیت نهادها است. برای نماینده و پروکسی این متغیر از شاخص حکمرانی خوب یا مطلوب که توسط بانک جهانی برای سال‌های ۱۹۹۶ به بعد گزارش شده است استفاده می‌شود که دربرگیرنده شش مؤلفه شفافیت و پاسخگویی، عدم خشونت و ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم قوانین و مقررات، تأمین قضایی و کنترل فساد بوده که به روش میانگین هندسی مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

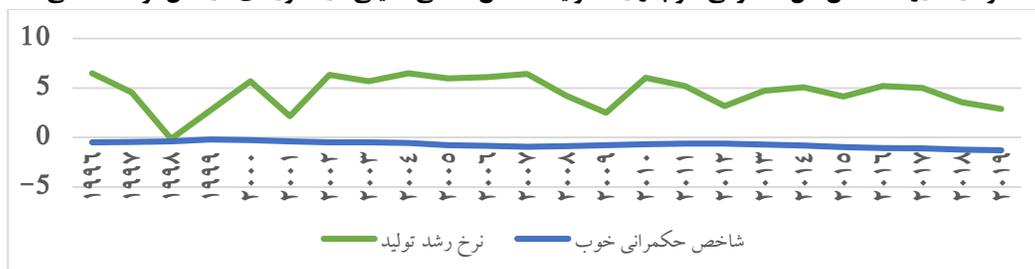
u مبین جزء خطا، i معرف کشور و t نشان‌دهنده زمان است. شایان ذکر است در این تحقیق با بهره‌گیری از رهیافت انتقال ملایم در داده‌های تابلویی به عنوان رویکرد خطی به برآورد مدل در هشت کشور اسلامی درحال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ پرداخته می‌شود. پایگاه داده‌ها و اطلاعات آماری برای متغیرهای شاخص حکمرانی Worldwide Governance Indicators و برای سایر متغیرهای تحقیق world development indicators و نرم افزار برآورد مدل و تحلیل یافته‌های تحقیق استاتا^۱ نسخه ۱۷ است.

نتایج تجربی تحقیق

در این بخش به برآورد مدل پرداخته می‌شود. قبل از برآورد لازم است روند شاخص کل حکمرانی خوب و رشد تولید ناخالص داخلی در این گروه از کشورها طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ ترسیم شود که به صورت نمودار زیر است:

¹ Stata

نمودار ۱. روند شاخص کل حکمرانی خوب و رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی در کشورهای در حال توسعه اسلامی



مأخذ: گزارش شاخص‌های توسعه بانک جهانی (۲۰۲۰)

بر اساس نمودار فوق می‌توان بیان کرد بیشترین میزان رشد اقتصادی در ۸ کشور اسلامی در حال توسعه مربوط به سال ۲۰۰۴ برابر با ۶/۴۹ درصد و کمترین آن برای سال ۱۹۹۸ و برابر با ۰/۱۴- درصد بوده است. در خصوص شاخص کل حکمرانی خوب که عددی بین ۲/۵- تا ۲/۵+ است، بیشترین میزان برابر با ۰/۱۹- و کمترین مقدار ۱/۲۸- است. به عبارت دیگر پایین‌ترین وضعیت شاخص کل حکمرانی خوب برابر با ۱/۲۸- و برای سال ۲۰۱۹ بوده و بهترین وضعیت ۰/۱۹- و مربوط به سال ۱۹۹۹ است. به عبارت دیگر میانگین هندسی شش مؤلفه مربوط به شاخص حکمرانی خوب در سال ۱۹۹۹ نسبت به سایر سال‌ها وضعیت مناسب‌تری داشته است. میانگین رشد تولید ناخالص داخلی و شاخص کل حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه اسلامی به ترتیب برابر با ۴/۵۸ و ۰/۷۱- درصد طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ است. پس از بررسی روند متغیرهای رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی و حکمرانی خوب در ۸ کشور اسلامی در حال توسعه، به منظور برآورد الگو و تفسیر یافته‌های تحقیق، اطمینان از وجود وابستگی بین کشورها با بهره‌گیری از آزمون‌های پسران، فریدمن و فریز (۲۰۰۴) بوده که نتایج در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱. نتایج آزمون وابستگی بین مقاطع یا کشورهای در حال توسعه اسلامی

مقدار آماره آزمون پسران	مقدار آماره آزمون فریدمن	مقدار آماره آزمون فریز
۱۵/۶۷	۱۳۴/۵۲	۴/۰۸
ارزش احتمال	ارزش احتمال	ارزش احتمال
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بر اساس هر سه آماره آزمون فریدمن، فریز و پسران فرضیه صفر مبنی بر عدم وابستگی بین مقاطع رد شده و وابستگی بین مقاطع برای ۸ کشور در حال توسعه اسلامی در سطح معنادار ۵ درصد تأیید می‌شود. بنابراین لازم است از آزمون‌های ریشه همانند آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته تصحیح شده پسران و فیشر فیلیپس- پرون استفاده نمود که نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

بر اساس نتایج آزمون‌های دیکی- فولر تعمیم یافته تصحیح شده پسران و فیشر فیلیپس پرون می‌توان بیان کرد متغیرهای رشد اقتصادی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شاخص کل حکمرانی خوب دارای مرتبه انباشتگی صفر و سرمایه انسانی و وفور یا فراوانی منابع طبیعی پایا با یک مرتبه تفاضل‌گیری هستند. لذا جهت حصول

اطمینان از وجود رابطه بین متغیر وابسته (رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی) با متغیرهای توضیحی از آزمون وسترلاند و اجرتون^۱ (۲۰۰۸) جهت بررسی همجمعی در داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. علت استفاده از این آزمون به جای آزمون‌های متعارف همجمعی مانند کائو و پدرونی این است که این آزمون وابستگی بین مقاطع و شکست ساختاری متغیرها را در نظر گرفته و با توجه به وجود وابستگی بین کشورهای مورد مطالعه این آزمون مناسب است که نتایج در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون پایایی متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته تصحیح شده پسران و فیشر فیلیپس- پرون

نام متغیر	GGDP	GCF	HC	FDI	RES	GGI
آماره t پار	-۹/۸۴	-۸/۷۵	۰/۶۸	-۱۴/۴۵	۰/۷۹	-۹/۶۹
ارزش احتمال	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۵	۰/۰۰۰	۰/۸۶	۰/۰۰۰
نتیجه آزمون	$I(۰)$	$I(۰)$	$I(۱)$	$I(۰)$	$I(۱)$	$I(۰)$
آماره Z	-۷/۶۱	-۵/۷۱	-۰/۷۴	-۵/۷۹	۰/۱۲	-۶/۶۶
ارزش احتمال	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۵۵	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۳. نتایج آزمون همجمعی وسترلاند و اجرتون (۲۰۰۸) برای آزمون رابطه تعادلی بلندمدت

مقدار آماره آزمون	Gt	Ga	Pt	Pa
مقدار	-۳/۰۰۲	-۱۱/۴۸	-۱۱/۹۸	-۱۳/۶۷
مقدار آماره Z	-۵/۱۴	-۱/۸۴	-۳/۴۸	-۶/۸۴
ارزش احتمال	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون وسترلاند و اجرتون (۲۰۰۸) بیانگر این است که فرضیه صفر مبتنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی برای هر چهار آزمون در تمامی سطوح معناداری ۱، ۵ و ۱۰ درصد رد شده و می‌توان بیان کرد رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی با متغیرهای شاخص کل حکمرانی خوب و وفور یا فراوانی منابع طبیعی برقرار است. در ادامه لازم است ارتباط خطی یا غیرخطی در خصوص الگوی تصریح شده با بهره‌گیری از آماره آزمون فیشر $LMF = [(SSR0 - SSR1)/Km / (SSR0/TN - N - mK)]$ و حداکثر راستنمایی $LRT = -2[Log(SSR1) - log(SSR0)]$ آزمون شود که نتایج به صورت جدول زیر است:

جدول ۴. نتایج آزمون وجود ارتباط خطی یا غیرخطی بین متغیرهای مدل

مقدار آماره	مقدار	نتیجه فرضیه
مقدار آماره آزمون فیشر	۹/۳۴	رد فرضیه صفر و وجود رابطه غیرخطی
مقدار آماره آزمون نسبت راستنمایی	۲۱/۹۸	رد فرضیه صفر و وجود رابطه غیرخطی
ارزش احتمال	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر و وجود رابطه غیرخطی
مقدار میانگین مجذور خطا	۰/۵۶	-----

منبع: یافته‌های تحقیق

¹ Westerlund and Edgerton

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بین متغیرهای مدل در هشت کشور اسلامی در حال توسعه رابطه غیرخطی برقرار بوده و فرضیه صفر مبنی بر وجود رابطه خطی در تمامی سطوح معناداری رد می‌شود. پس از رد شدن فرضیه صفر مبنی بر ارتباط خطی بین متغیرهای مدل و تأیید یک تابع انتقال در الگوی غیرخطی، لازم است وجود یک یا دو حد آستانه برای شاخص حکمرانی خوب بررسی شود. برای این منظور و با استناد به پژوهش‌های انجام شده توسط کولیتاز و هارولین (۲۰۰۶) و جوید^۱ (۲۰۱۰) دو مدل با یک و دو مقدار آستانه‌ای برآورد شده و مقادیر مجموع مربعات خطاها، معیار اطلاعاتی شوارتز^۲ و آکائیک^۳ محاسبه شد. در جدول زیر معیارهای عنوان شده برای هر دو مدل PSTR ارائه شده است. همان‌طور که نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد مقدار مجموع مربعات خطاها در هر دو حالت وجود یک و دو حد آستانه‌ای، مساوی هستند. لیکن دو معیار شوارتز و آکائیک مقادیر متفاوتی برای حالت‌های وجود یک و دو حد آستانه‌ای ارائه داده‌اند.

قبل از تعیین تعداد حدهای آستانه‌ای با استفاده از آماره‌های آزمون F ، F_2 ، F_3 و F_4 ، مدل انتخابی از بین دو روش انتقال ملایم لجستیکی^۴ و نمایی^۵، مدل انتقال ملایم لجستیکی تعیین شده که نتایج به صورت جدول (۵) است:

جدول ۵. آزمون انتخاب بین مدل‌های LSTR و ESTR

مدل پیشنهادی	مقدار آماره F4	مقدار آماره F3	مقدار آماره F2	مقدار آماره F
LSTR	۸/۵۴۷۶e-۰۳	۲/۸۱۸۷e-۰۱	۱/۴۶۷۴e-۰۱	۱/۲۰۷۸e-۰۲

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد بر اساس هر دو آماره‌های آزمون فیشر، مدل پیشنهادی از بین دو مدل LSTR و ESTR، مدل انتقال ملایم لجستیکی است.

پس از انتخاب مدل PSTR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای که بیانگر یک مدل دو رژیمی است. در ادامه میزان آستانه‌ای، حد پایین و بالای شاخص حکمرانی خوب در سطح اطمینان ۹۵ درصد برآورد شده که در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۶. تعیین تعداد مکان‌های آستانه‌ای در یک تابع انتقال

	معیار آکائیک	معیار شوارتز	مجموع مجذور باقیمانده‌ها
m=1	-۵/۹۶	-۶/۰۲	۰/۰۳
m=2	-۶/۳	-۶/۵۶	۰/۰۳۲

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۷. نتایج تخمین حد آستانه‌ای حد پایین و بالای شاخص حکمرانی خوب برای هشت کشور اسلامی در حال توسعه

میزان حد آستانه‌ای شاخص حکمرانی خوب	حد پایین	حد بالا	سرعت انتقال
-۰/۶۷	-۱/۲۸	-۰/۱۹	۱/۴۶

منبع: یافته‌های تحقیق

¹Jude

⁴ Logistic Smoothing Transition Regression (LSTR)

²Schwarz Criterion

⁵ Exponential Smoothing Transition Regression (ESTR)

³ Akaike Information Criterion

نتایج برآورد حد آستانه‌ای نشان می‌دهد میزان حد آستانه‌ای شاخص حکمرانی خوب برابر با ۰/۶۷- بوده و اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه اسلامی قبل و بعد از این مقدار متفاوت خواهد بود. از آنجا که مقدار شاخص حکمرانی خوب در ۸ کشور اسلامی در حال توسعه بین ۱/۲۸- و ۰/۱۹- است، لذا انتظار بر این است میزان حد آستانه برآوردشده در دامنه بین حد پایین و بالا باشد. همچنین مقدار حد آستانه برآورد شده در همسایگی مقدار میانگین آن یعنی ۰/۷۱- قرار دارد.

علاوه بر این، سرعت انتقال متغیر شاخص حکمرانی خوب برابر با ۱/۴۶ بوده که آرام و ملایم است. به عبارت دیگر در صورتی که سرعت انتقال برای متغیر انتقال کمتر از ۵ باشد، دلالت بر آرام و ملایم بودن متغیر داشته و نشان می‌دهد در رفتار تابع انتقال آن حالت S شکل برقرار است (گونزالز^۱ و همکاران، ۲۰۱۷).

پس از تعیین پارامترها و سرعت انتقال، تخمین الگو به روش انتقال ملایم در بخش خطی و غیرخطی برآورد شده که نتایج در قالب جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۸. نتایج تخمین مدل به روش PSTR

متغیرهای توضیحی	ضریب برآورد شده	مقدار آماره t	ارزش احتمال (PV)
نتایج بخش خطی			
GGI	۰/۰۷	۲/۸۹	۰/۰۰۴
FDI	۰/۰۹	۱/۸۶	۰/۰۷
HC	۰/۰۶	۴/۹	۰/۰۰۰
GCF	۰/۰۰۴	۱/۹۶	۰/۰۵
RES	۰/۰۲	۲/۱۵	۰/۰۴
نتایج بخش غیر خطی			
GGI	۰/۱۳	۴/۶۵	۰/۰۰۰۰
FDI	۰/۱۵	۳/۹۸	۰/۰۰۰۴
HC	۰/۰۹	۱/۷۴	۰/۰۸
GCF	۰/۰۵	۳/۲۰۸۲	۰/۰۰۱۵
RES	۰/۱۱	۷/۹۵	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول فوق، نحوه تأثیرگذاری متغیرها در دو وضعیت یا بخش خطی و غیرخطی بدین صورت است که شاخص حکمرانی خوب در هر دو رژیم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد که البته با گذار از حد آستانه‌ای یا ورود به رژیم دوم یا بالاتر از میانگین، شدت اثرگذاری آن افزایش می‌یابد. انتظار می‌رود در سطوح بالای حکمرانی (سطوح پایین فساد و مقررات زاید و محدودیت‌های سیاسی و سطوح بالای ثبات سیاسی و حاکمیت قانون و اثربخشی دولت) که کیفیت نهادها نیز

¹ González

در سطح بالایی است، تمامی مؤلفه‌های حکمرانی خوب باعث جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی گردیده و موجب تسریع در نرخ رشد اقتصادی گردند.

ضریب تأثیرگذاری سرمایه‌انسانی در هر دو رژیم مثبت است. در این خصوص می‌توان گفت زمانی که حکمرانی و کیفیت نهاده‌ها پایین است، در این گروه کشورها سرمایه‌گذاری‌های لازم در نیروی انسانی صورت نمی‌گیرد. این در حالی است که حکمرانی خوب باعث تخصیص بخش قابل توجهی از بودجه به مخارج آموزشی گشته و آموزش نیروی انسانی نیز از چهار راه باعث رشد اقتصادی می‌شود: (۱) ایجاد نیروی کار مولدتر و بالا بردن سطح دانش و مهارت آنان؛ (۲) فراهم آوردن اشتغال گسترده و فرصت کسب درآمد برای معلمان، کارکنان مدرسه، چاپخانه‌های کتاب‌های درسی و کاغذ، کارخانجات تولیدکننده لباس هم‌شکل برای مدارس و غیره؛ (۳) ایجاد رهبران تحصیلکرده به منظور اشغال پست‌هایی که بوسیله متخصصان خارجی خالی شده و یا شغل‌های بلا‌تصدی در بخش خدمات دولتی، شرکت‌های دولتی، بنگاه‌های اقتصادی خصوصی؛ (۴) احتمالاً فراهم آوردن نوعی آموزش در جهت افزایش سطح سواد خواندن و نوشتن و حساب کردن و مهارت‌های اصلی و در عین حال ترویج طرز تفکر جدید در بین طبقات متعدد جمعیت. لذا این متغیر در رژیم دوم با شدت بیشتری در جهت افزایش رشد اقتصادی عمل می‌نماید.

ضرایب وفور منابع طبیعی در هر دو رژیم مثبت و با انتقال به سطوح بالای حکمرانی خوب (رژیم دوم) شدت تأثیرگذاری آن افزایش می‌یابد. به عبارتی با بهبود شاخص حکمرانی خوب و اجزای آن اثر مدیریت منابع طبیعی بر تولید و رشد اقتصادی نیز بهبود و در وضعیت پایین شاخص حکمرانی خوب، وفور منابع طبیعی اثر ناچیز و اندکی بر رشد اقتصادی داشته است. لذا اثر بهبود منابع طبیعی در سطح بالای حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی در حال توسعه قابل ملاحظه است.

ضرایب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر دو رژیم مثبت بوده و در بخش خطی در سطح ۱۰ درصد به لحاظ آماری معنادار است. با انتقال به سطوح بالای حکمرانی (رژیم دوم) شدت تأثیرگذاری افزایش می‌یابد که این تأثیر، نشان‌دهنده نقش مثبت حکمرانی خوب در افزایش مشارکت در بازار جهانی و جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی و افزایش تجارت بین‌المللی این گروه کشورها است. ضرایب برآوردشده برای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز در هر دو رژیم مثبت و معنادار بوده اما در رژیم دوم یا سطح بالای حکمرانی خوب ضریب تأثیرگذاری آن بر رشد تولید بیشتر از وضعیت پایین شاخص حکمرانی است. به عبارت دیگر با افزایش سرمایه‌گذاری و میزان تقاضای کل تولید و درآمد افزایش یافته و رشد آن نیز افزایش می‌یابد. در ادامه معیارهای اطلاعاتی مدل برآورد شده در جدول زیر بیان شده است:

جدول ۹. نتایج معیارهای اطلاعاتی برای الگوی تصریح شده

نام معیار	مقدار آماره اطلاعاتی
AIC	-۴/۹۵
R ²	۰/۹۸
R ² تعدیل شده	۰/۹۷

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد مقدار آماره آکائیک برابر با $4/95-$ و مقدار ضریب تعیین برابر با $0/98$ است که دلالت بر پایین بودن میزان خطای مدل برآورد شده و بالا بودن قدرت برازش مدل دارد. پس از برآورد مدل تحقیق، لازم است آزمون‌های تشخیص مدل در خصوص بررسی خودهمبستگی بین جملات اختلال، ناهمسانی واریانس و مناسب بودن تصریح مدل و عدم نیاز به تابع انتقال دیگر انجام شود که نتایج به صورت جدول زیر است:

جدول ۱۰. نتایج آزمون‌های تشخیص جملات اختلال

نام آزمون	مقدار آماره آزمون	ارزش احتمال
جارك- برا (نرمال بودن جملات اختلال)	۰/۶۵	۰/۵۲
ضریب لاگرانژ (ناهمسانی واریانس)	۰/۴۵	۰/۸۹
فیشر (خودهمبستگی)	۱/۲۳	۰/۱۹
ثبات و پایداری پارامترها	۰/۹۴	۰/۲۶
عدم نیاز به تابع انتقال دیگر	۰/۱۶	۰/۹۲

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد الگوی تصریح شده دارای خودهمبستگی، ناهمسانی واریانس نبوده و توزیع جملات اختلال نرمال است. همچنین ثبات و پایداری پارامترهای برآورد شده در طول زمان مورد تأیید قرار گرفته و مدل برآورد شده به تابع انتقال دیگری نیاز ندارد. بنابراین به صورت کلی مدل برآورد شده از جهت آزمون‌های تشخیص جملات اختلال مناسب است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادی سیاست‌گذاری

در این مطالعه تأثیر نهادها و وفور مدیریت منابع طبیعی بر رشد اقتصادی هشت کشور اسلامی در حال توسعه طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۹ با استفاده از مدل انتقال ملایم در داده‌های تابلویی بررسی شد. در همین راستا برای نشان دادن متغیر نهادها، از شاخص‌های حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی ارائه می‌شود، استفاده گردید. نتایج نشان‌دهنده این است که نهادها، تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی در هر دو بخش خطی و غیرخطی دارد. همچنین سایر متغیرها شامل انباشت سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، انباشت خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی و ثروت‌های طبیعی، تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارند. همچنین بهبود مدیریت منابع طبیعی نیز تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی دارد. به طور کلی تأثیرگذاری شاخص کلی حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۸ کشور اسلامی در حال توسعه برابر با $0/2$ بوده که نشان می‌دهد در سطوح بالاتر از حد آستانه‌ای حکمرانی خوب افزایش یک واحدی شاخص منجر به افزایش $0/2$ واحدی رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی می‌شود. یافته‌های حاصل از این پژوهش با چارچوب نظری و مطالعات تجربی آودولاج و همکاران (۲۰۲۱)، سیهام (۲۰۲۰)، جلیلی و سلمانی‌بیشک (۱۳۹۷) و ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹) همسو و سازگار است. با توجه به نتایج بدست آمده در این مطالعه بر اساس نتایج حاصل از برآورد مدل موارد زیر به سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای اسلامی در حال توسعه ارائه می‌شود:

- با توجه به تأثیر مورد انتظار متغیر نهادها بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه، پیشنهاد می‌شود شاخص‌های شش‌گانه نهادها (شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون حضور خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌گری مقررات، تأمین

- قضایی و کنترل فساد) بهبود و ارتقاء یابد. این امر می‌تواند با اصلاحات نهادی و ایجاد نهادهای سیاسی نظیر آزادی‌های مدنی و سیاسی، احترام به قوانین و کیفیت قوانین و مقررات صورت گیرد.
- با توجه به تأثیرگذاری وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی به ویژه در بخش غیرخطی، پیشنهاد می‌شود وجوه حاصل از فروش این منابع در راستای بهبود ساختار اقتصادی به منظور تبدیل ثروت‌های تجدیدناپذیر به ثروت‌های تجدیدپذیر صورت گیرد. این کار می‌تواند از طریق بهبود مدیریت منابع طبیعی و هماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های آموزشی و پژوهشی و نوآوری صورت گیرد.
 - با توجه به تأثیر مثبت و معنادار سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی، پیشنهاد می‌شود با اتخاذ سیاست‌های مناسب زمینه برای جذب هر چه بیشتر این سرمایه‌گذاری‌ها در راستای انتقال دانش و تکنولوژی تولید و نیز ارتقای فناوری داخلی و حرکت بسوی اقتصاد دانش‌بنیان فراهم شود.
 - گرچه سرمایه انسانی سبب بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید و افزایش تولید می‌شود. اما در صورتیکه تقاضای نیروی انسانی همگام با عرضه آن رشد نکند، شاهد تأثیر اندک این متغیر بر متغیرهای کلان اقتصادی خواهیم بود. این امر عموماً در کشورهای رخ می‌دهد که دارای مدیریت نامناسب برای ثروت‌های فراوان طبیعی هستند. زیرا در این کشورها به پستوانه درآمدهای ناشی از فروش ثروت‌های نفتی، کمتر به عوامل جدید تولید که مبتنی بر دانش هستند (از جمله سرمایه انسانی) توجه می‌گردد و تولیدکنندگان بیشتر به عوامل سنتی تولید (ارزان‌تر در مقایسه با عوامل جدید تولید بدلیل اتخاذ راهبردهای نامناسب اقتصادی) توجه می‌کنند. لذا ضرورت دارد توجه جدی در خصوص گسترش بازار سرمایه انسانی از کانال اتخاذ سیاست‌های مناسب و هماهنگی سمت عرضه و تقاضای کلان اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان به منظور دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات صورت گیرد.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر به‌خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- ابراهیم‌پور، حبیب؛ فتوره‌چی، زهرا؛ نعمتی، ولی و حمزه‌ای، نسرین (۱۳۹۹). تحلیل نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در رابطه بین جهانی شدن و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه. *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، ۱۰(۳۶)، ۶۹-۴۰.
- اسدی، زیور؛ بهرامی، جاوید و طالبلو، رضا (۱۳۹۲). تأثیر پدیده نفرین منابع بر توسعه مالی و رشد اقتصادی در قالب الگوی پانل پویا. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۳(۱۰)، ۲۶-۹.
- ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۷). تحلیل تأثیر کیفیت حکمرانی و ترکیب مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران: رویکرد رشد درون‌زا. *اقتصاد مقداری*، ۱۵(۴)، ۱۶۵-۱۳۵.

بشیری، عباس و شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی، بررسی‌های بازرگانی، ۹(۴۸)، ۶۹-۸۱.

- جلیلی، زهرا و سلمانی بیشک، محمدرضا (۱۳۹۷). مطالعه رابطه وفور منابع حکمرانی رشد اقتصادی با تأکید بر نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات. *نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۳(۳)، ۱۶۴-۱۳۷.
- رنانی، محسن (۱۳۷۶). بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات، تهران.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبدالله (۱۳۹۱). رابطه حکمرانی با شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورهای برگزیده، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۲(۲)، ۷۵-۵۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ ساری گل، سارا و تنهایی، حمید (۱۳۹۴). حکمرانی و آزادی اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای گروه D8 و G7). *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳(۱۲)، ۱۴۸-۱۲۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و محمودی، عبدالله (۱۳۸۵). تعیین کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران. *جستارهای اقتصادی*، ۳(۵)، ۱۲۹-۹۲.
- شریف‌آزاده، محمدرضا و حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۸۲). تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۷۹-۱۳۵۸). *نامه مفید*، ۹(۳۸)، ۱۹۲-۱۵۹.
- صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲). برآورد سهم سرمایه‌انسانی در رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۴۵. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۵(۱۷)، ۹۸-۷۹.
- فانچی دابانلو، محمدحسین؛ هژبرکیانی، کامبیز؛ معمارنژاد، عباس و مهرآرا، محسن (۱۳۹۶). نهادها و توسعه در کشورهای خاورمیانه. *مدلسازی اقتصادی*، ۱۱(۳۹)، ۱۱۸-۹۹.
- کمیحانی، اکبر و سلاطین، پروانه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان). *مدیریت*، ۷(۲۰)، ۴۱-۲۷.
- الماسی، مجتبی و سپه‌بان قره‌بابا، اصغر (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری فیزیکی با رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۵۰. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۵(۵۳)، ۱۸۶-۱۵۷.
- محمدی، حسین؛ محمدی، مرتضی و تیرگری، محمد (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر رشد تولید سرانه در گروه‌های مختلف درآمدی در جهان با تأکید بر شاخص‌های حکمرانی. *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۸(۳۰)، ۱۴۵-۱۰۹.
- ملکی حسونند، بهزاد؛ جعفری، محمد؛ فتاحی، شهرام و غفاری، هادی (۱۳۹۸). سازوکار اثرگذاری هم‌زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۹(۳۴)، ۱۱۴-۹۹.

References

- Abdelbary, I., & Benhin, J.K. (2019). Governance, capital and economic growth in the Arab Region. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, Elsevier, 73, 184-191.
- Acemoglu, D., & Robinson, J. (2012). Why nations fail: Origins of power, prosperity and poverty. <http://www.levine.sscnet.ucla.edu/general/aandreview.pdf>.
- Acemoglu, D., Simon, J., Robinson, J.A., & Yuyong, T. (2002). Institutional causes, macroeconomic symptoms: Volatility, crises and growth, CEPR. *Discussion Paper*, No. 3575.
- Aghion, P., & Durlauf, S.N. (2005). Handbook of economic growth. *North Holland, Elsevier Press*.
- Aidt, T., Dutta, J., & Sena, V. (2008). Governance regimes, corruption and growth: Theory and evidence. *Journal of Comparative Economics*, 36(2), 195-220.
- Almasi, M., & Sepahbab Gharaaah, A. (2009). Investigating the relationship between manpower investment and physical investment with Iran's economic growth during (1971-2005). *Research and Planning in Higher Education*, 15(53), 157-186 [In Persian].

- Arezki, R., & Van der Ploeg, F. (2010). Do natural resources depress income per capita? CESifo, *Working Paper*, No. 3056.
- Arshad khan, M., & Ali khan, Sh. (2011). Foreign direct investment and economic growth in Pakistan: A sectoral analysis, Pakistan Institute of Development Economics. *Working Paper*, No. 2011:67.
- Asadi, Z., Bahrani, J., & Talelou, R. (2013). The effect of resource curse phenomenon on financial development and economic growth in the form of a dynamic panel model. *Economic Growth and Development Research*, 3(10), 9-26 [In Persian].
- Avdulaj, J., Merko, F., & Klodian M. (2021). The role of good governance in economic development: evidence from eastern european transition countries. *Journal Transition Studies Review*, 28(1), 67-76.
- Awti, S. (1994). Economic rent, abundance and growth. *Journal of Economic Modeling*, 15(3), 85-112.
- Baldaccia, E., Hillmanb, A.L., & Kojo, N.C. (2003). Growth, governance, and fiscal policy transmission channels in low-income countries. *European Journal of Political Economy*, 20, 517-549.
- Baltabaev, B. (2013). FDI and total factor productivity growth: New macro evidence, Department of Economics, Monash University, Monash Economics *Working Paper*, No. 27-13
- Bashiri, A., & Shaghghi Shahri, V. (2011). Good governance, corruption and economic growth. *Business Reviews*, 9(48), 69-81 [In Persian].
- Bravo-Ortega, C., De Gregorio, J. (2002). The relative richness of the poor: natural resources, human capital and economic growth, Central Bank of Chile. *Working Paper*, No. 139.
- Cavacanti, T., Mohaddes, K., & Raissi, M. (2011). Growth, development and natural resources: New evidence using a heterogeneous panel analysis. *Journal of the Quarterly Review of Economics and Finance*, 51(4), 305-318.
- Colletaz, G., & Hurlin, C. (2006). Threshold effects of the public capital productivity: An international panel smooth transition approach. *Working Paper*, 1/2006, LEO, Université d'orleans: 1-39.
- Cornelius, J.W. McArthur, Y., & Schwab, K. (2002). The global competitiveness report 2001-2002. New York: Oxford University Press.
- Dias, J., & Tebaldi, E. (2012). Institutions, human capital, and growth: The institutional mechanism. *Structural Change and Economic Dynamics*, 23(3), 300-312.
- Ebrahimpour, H., Fotourehchi, Z., Nemati, V., & Hamzeei, N. (2020). Analyzing the moderating role of good governance in the relationship between globalization and economic growth in developing countries. *Strategic Studies of Public Policy*, 10(36), 40-69 [In Persian].
- Fan, R., Fang, Y., & Park, S.Y. (2012). Resource abundance and economic growth in China. *Journal of China Economic Review*, 23(3), 704-719.
- Fatehi Dabanlou, M.H., Hojabbr Kiani, K., Memarnejad, A., & Mehrara, M. (2017), Institutions and development in middle east countries. *Economic Modeling*, 11(39), 99-118 [In Persian].
- Flachaire, E., Garcia-Penalosa, C., & Konte, M. (2014). Political versus economic institutions in the growth process. *Journal of Comparative Economics*, 42(1), 212-229.
- Frawsen, G., & Josefsson, H. (2004). FDI and developing countries, how to attract trans- national corporation? School of Economics and Management, LUND University.
- Furman, J.L., & Hayes, R. (2004). Catching up or standing still? National innovative productivity among 'follower' countries, 1978-1999. *Research Policy*, 33(9), 1329-1354.
- Gilbert, J. (2003). Trade liberalization and employment in developing economies. *Economie Internationale*, 2-3(94-95), 155-174.
- Golejewska, A. (2010). Human capital and regional growth perspective, Faculty of Economics, University of Gdansk, Poland. *Working Ppaer*, No. 1204.
- González, A., Teräsvirta, T., Van Dijk, D., & Yang, Y. (2017). Panel smooth transition regression models. SSE/EFI Working Paper Series in Economics and Finance 604, Stockholm School of Economics.

- Gradstein, M. (2002). Rules, stability, and growth. *Journal of Development Economics*, 67(2), 471-484.
- Hall, R.E., & Charles I.J. (1999). Why do some countries product so much more output per worker than other? *Quarterly Journal of Economics*, 114(1), 83-116.
- Hamdi, H., & Sbia, R. (2013). The relationship between natural resources rents, trade openness and economic growth in Algeria. *Journal of Economics Bulletin*, 23(2), 1649-1659.
- Hisamoglu, E. (2018). EU membership, institutions and growth: The case of Turkey. *Economic Modeling*, 38(1), 211-219.
- Huang, C.J., & Ho, Y.H. (2017). Governance and economic growth in Asia. *North American Journal of Economics and Finance*, 39, 260-272.
- Huynh, K.P., & Jacho-Chavez, D.T. (2009). Growth and governance: A nonparametric analysis. *Journal of Comparative Economics*, 37(1), 121-143.
- Ismahen, Y., & Najeh, B. (2019). Foreign direct investment and economic growth: The role of the governance. *Economics Bulletin*, 39(4), 2711-2725.
- Iwaisako, T., & Futagami, K. (2013). Patent protection, capital accumulation, and economic growth. *Journal of Economic Theory*, 52(10), 631-668.
- Izadkhasti, H. (2018). Analyzing the Impact of governance quality and composition of government expenditures on economic growth in Iran: An endogenous growth approach. *Quantitative Economics*, 15(4), 135-165 [In Persian].
- Jalili, Z., & Salmani Bishak, M.R. (2018). Study the relationship between the abundance of governance resources of economic growth with emphasis on the role of information and communication technology. *Applied Theories of Economics*, 5(3), 137-164 [In Persian].
- Jude, E. (2010). Financial development and growth: A panel smooth regression approach. *Journal of Economic Development*, 35(1), 15-33.
- Kangundu, P. (2006). The quality of governance, composition of public Policy research, The World Bank, *Working Paper*, No. 3106.
- Kaufmann, D., & Kraay, A. (2003). Governance matters III: governance indicators for 1996-2002. *World Bank Policy Research Working Paper*, No. 3106. Washington, DC: World Bank.
- Knack, S. (2002). Democracy, governance and growth, University of Michigan Press.
- Komijani, A., & Salatin, P. (2010). Investigating the effect of governance quality on economic growth in Iran and selected neighboring countries (Turkey & Pakistan). *Management*, 7(20), 27-41 [In Persian].
- Kuznets, S. (1973). Modern economic growth: findings and reflections. *American Economic Review*, 63, 247-58.
- Landon-Lane, J., & Robertson, P. (2003a). Accumulation and productivity growth in industrializing economies, Department of Economics of Rutgers University. *Working Paper*, No. 200305.
- Landon-Lane, J., & Robertson, P. (2003b). Structural change, accumulation and growth in developing economies. *Royal Economic Society Annual Conference*, 2003 No 129.
- Maleki Hassanvand, B., Jafari, M., Fattahi, S., & Ghafafari, H. (2019), Mechanism of simultaneous impact of good governance and government spending on economic growth. *Economic Growth and Development Research*, 9(34), 99-114 [In Persian].
- Matallah, S. (2020). Economic diversification in MENA oil exporters: Understanding the role of governance. *Resources Policy*, 66, 1-11.
- Mohammadi, H., Mohammadi, M., & Tirgari, M. (2017), Investigating the factors affecting the growth of per capita production in different income groups in the world with emphasis on governance indicators. *Economic Modeling Research*, 8(30), 109-145 [In Persian].
- Neagu, O. (2012). Measuring the effects of human capital on growth in the case of Romania. *Journal of Economics and Applied Informatics*, 1, 83-92.

- Pesaran, M.H., Friedman, M., & Frees, E.W. (2004). General diagnostic tests for cross section dependence in panels'. *Cambridge Working Papers in Economics*, University of Cambridge.
- Poirson, H. (1998). Economic security, private investment and growth in developing countries, IMF. *Working Paper*, No. 9817.
- Polasek, W., Schwarzbauer, W., & Sellner, R. (2010). Human capital and regional growth in Switzerland, Institute for Advanced Studies, Vienna. *Economics Series*, No. 250.
- Putterman, L. (2013). Institutions, social capability, and economic growth, *Economic Systems*, 37(3), 345–353.
- Renani, M. (1997). Market or non-market? Investigating the institutional barriers to the efficiency of the market economic system in the Iranian economy. *Program and budget organization, Center for socio-economic documents and publications*, Tehran [In Persian].
- Sachs, J., & Woo, T. (1997). Understanding China's economic performance. *NBER Working Paper*, No. 5935 (Cambridge, Massachusetts: National Bureau of Economic Research).
- Sachs, J.D., Warner, A.M., Schmidt-Traub, G., Kruk, M., Bahadur, C., Faye, M., & McCord, G. (2004). Ending Africa's poverty trap. *Brookings Papers on Economic Activity*, 35(1), 117-240.
- Sadeghi, M., & Emadzadeh, M. (2003). Estimating the share of human capital in Iran's economic growth over the years of 1966-2001. *Iranian Economic Research*, 5(17), 79-98 [In Persian].
- Sarmidi, T., Siong, H.L., & Jafari, Y. (2012). Resource curse: new evidence on the role of institutions. *MPRA, Working Paper*, No.37206.
- Schultz, T.W. (1961). Investment in human capital. *American Economic Review*, 51(1-2), 163-184.
- Shahabadi, A., & Mahmoudi, A. (2006). Main determinants of FDI in Iran. *Journal of Iran's Economic Essays*, 3(5), 92-129 [In Persian].
- Shahabadi, A., & Pourjavan, A. (2012). The relationship between governance and indicators of socio-economic development of selected countries. *Journal of Social Sciences*, Faculty of literature and humanities, Ferdowsi University of Mashhad, 9(2), 53-75 [In Persian].
- Shahabadi, A., Sari Gol, S., & Tanhaei, H. (2015). Goovernance & economic freedom. *Strategic and Macro Policies*, 3(12), 123-148 [In Persian].
- Sharif Azadehm M.R., & Hosseinzadeh Bahreini, M.H. (2003). The impact of private investment in Iran on economic security indicators. *Mofid Letter*, 9(38), 159-192 [In Persian].
- Siham, M. (2020). Oil rents and economic growth in oil abundant MENA countries: Governance is matter? *Journal of Social and Economic Development*, 5(3), 124-138.
- Sunde, U., & Vischer, T. (2011). Human capital and growth: Specification matters, School of Economics and Political Science, University of St. Gallen. *Working Paper*, No. 1131.
- Tiwari, A.K., & Mutascu, M. (2011). Economic growth and FDI in Asia: A Panel-data approach. *Journal of Economic Analysis and Policy (EAP)*, 41(2), 173-187.
- Usui, N. (1997). Dutch disease and policy adjustments to the oil boom: A comparative study of Indonesia and Mexico. *Resources Policy*, 23(4), 151-162.
- Vehovar, U., & Jager, M. (2003). Corruption, good governance and economic growth: The case of Slovenia. *Paper presented at the conference Institutions in Transition*. Kranjska Gora, Slovenia, 1-14.
- Westerluns, J., & Edgerton, D. (2008). A simple test for cointegration in dependent panels with structural breaks, oxford bull. *Economic Statistics*, 70(5), 665–704.
- World Bank (2020). <http://data.worldbank.org>.
- Zubair, S.S., & Khan, M.A. (2014). Good governance: Pakistan's economic growth and worldwide governance indicators. *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences*, 8(1), 258-271.